



بررسی آثار ورشکستگی کسب و کارهای دارای مالکیت معنوی در ایران و راهکارهای اصلاح آن، ضمن قیاس با رویه مشابه در انگلستان

شریف مرادیان^۱، سعید فرزانه^۲

چکیده

در مقابل مالکیت مادی، مالکیت معنوی وجود داشته که به معنی تملک اموال غیر ملموس است. در تمامی جهان، دولت‌ها دغدغه حمایت از خالقان آثار بدیع را داشته که نوعی مالکیت معنوی محسوب می‌شود. در کشور ما قانون‌گذار امتیاز بهره‌برداری انحصاری از اموال معنوی را در طول زمانی مشخص به مالک آن داده است. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده است. هدف پژوهش آن است که با ارائه پیشنهادها حقوقی، مانع از بروز ورشکستگی کسب و کارهای دارای مالکیت معنوی شده و در این میان از رویه پادشاهی انگلستان نیز الگوبرداری شده است. چنین فرض شده که قانونگذار حمایت لازم را از اموال معنوی نداشته و خलाها حقوقی موجب شکل‌گیری رویه نسبتاً اشتباه در این خصوص شده است. در خصوص ورشکستگی کسب و کارهای مالکیت معنوی تحقیقاتی انجام شده، اما پیشنهاد اصلاح آن و قیاس آن با نظام حقوقی دیگر کشورها تاکنون انجام نشده که جنبه نوآوری پژوهش کنونی می‌باشد. از دیدگاه حقوقی، امکان مصادره اموال معنوی در زمان ورشکستگی ممکن است، اما قانون‌گذار تنها در خصوص توقیف آثار ادبی همچون ترجمه و تألیف تصریح کرده و در رویه کنونی حقوق اداری، به سبب قدرت نقدشوندگی پائین این اموال، امکان توقیف آن وجود داشته و نظام قضائی عموماً سعی در مصادره منافع مادی حاصل از اموال معنوی را داشته و تاکنون رای قضائی در خصوص توقیف کامل اموال معنوی گزارش نشده است. رویه کامن‌لایی دولت انگلستان مصادره اموال معنوی در زمان ورشکستگی را پذیرفته که البته به‌عنوان آخرین راه‌حل تسویه دیون استفاده می‌شود. در حقوق اداری انگلستان امکان رهن گذاشتن اموال معنوی وجود داشته که مورد انتقاد مدافعان آثار بدیع می‌باشد. رویه حقوقی ایران مورد تحسین است، لیکن می‌بایست در این خصوص صراحت به خرج داده شود.

واژگان کلیدی:

مالکیت فکری، نوآوری، حمایت، ورشکستگی، توقیف، الگوی اسلامی ایرانی

۳۵

دوره ۱۳، شماره ۳، پیاپی ۳۵
پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱-۷-۱۵

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱-۱۲-۰۶

صص: ۱۷۴-۱۵۱

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول). shryfmradyan1@gmail.com.



۱. مقدمه و بیان مسئله

حضور گسترده و روزافزون دارایی‌های فکری در تجارت بین‌الملل، بروز اختلافات بین‌المللی ناظر حقوق مالکیت فکری بین اشخاص خصوصی را ناگزیر می‌سازد. ارتباط غیرقابل‌انکار حقوق مالکیت فکری با حقوق عمومی و حاکمیت‌های ملی، حقیقتی است که بر حل و فصل اختلافات مربوط به این حوزه تأثیرگذار است. بشر در طول تاریخ از فکر و هنر خود بهره برده و با ابتکار و خلاقیت دست به خلق آثار گوناگونی زده است. با وقوع انقلاب صنعتی، این ابتکارات و ابداعات، سیر صعودی به خود گرفت و امروزه کمتر کالا یا خدمتی را می‌توان در بازار یافت که محصول اندیشه و ابتکار بشری و یا در ارتباط با آن نباشد. حقوق مالکیت فکری، مفهوم حقوقی نوینی است که از فعالیت‌ها و محصولات فکری در زمینه‌های تجاری، علمی، ادبی و هنری حمایت می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، حقوق مالکیت فکری مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی است که از اثرات ناشی از فکر، خلاقیت و ابتکار بشر حمایت کرده و در این راستا یک سری حقوق مادی محدود به زمان و حقوق معنوی دائمی به پدیدآورنده آن اعطاء می‌نماید. فرض اساسی در قانون مالکیت فکری این است که اندیشه‌های خلاق انسانی زمانی شکوفا می‌شود که صاحبان حق انحصاری اثر از نظر مالی از کار خود بهره‌مند شوند و نسخه‌برداری از اثر خود را تحت کنترل داشته باشند. بنابراین حقوق مالکیت فکری، حلقه مکمل چرخه نوآوری به حساب می‌آید و سبب شکوفایی اندیشه‌های خلاق انسانی، توسعه‌ی تحقیقات، علم و فناوری و تجارت می‌شود.

ضرورت حمایت از صاحبان اندیشه و ابتکار، موجب شکل‌گیری بدنه‌ای از حقوق تحت عنوان حقوق مالکیت فکری شده است. خصوصیات مشترک در تمام انواع حقوق مالکیت فکری این است که حقوق اعطاء شده اساساً سلبی هستند، یعنی مانع بهره‌برداری دیگران از آفرینش‌های فکری بدون رضایت پدیدآورنده یا مالک این حقوق می‌شوند. اما اهم موضوع موردبحث اینجاست که تاجر ورشکسته پس از اعلام توقف و بالطبع صدور حکم ورشکستگی در تقسیم اموال و دارایی‌هایش چه از جانب مدیر تصفیه و ناظر و چه از جانب اداره تصفیه، دارایی فکری توسط ارزیاب، نیز ارزش‌گذاری و تقویم شده و در اختیار طلبکاران قرار گیرد تا به نسبت سهم‌شان از مبلغ فروش آن دارایی مقوم شده تحت عنوان امتیاز یا حق اولویت و یا منفعت و.... برداشت نمایند. حکم ورشکستگی اساساً نسبی نیست و مطلق است و اثر آن نسبت به همگان قابل استناد بوده و چیزی که برای اعتراض ثالث مفروض می‌باشد این است که یک دادگاه رسیدگی بین طرفین دعوی صورت داده و حکمی داده که علی‌الاصول نسبی است و از قضا معلوم شده که اثر آن نسبت به یک ثالثی مؤثر است. جایی که فرد از ورشکستگی می‌خواهد مستمسکی برای اهداف خود بسازد و وقتی مقدمات صدور حکم ورشکستگی فراهم است و به تبع از آن در مورد برخی از معاملات تاجر در دوران توقف اثر حقوقی بار می‌شود، باید تفاوت قائل شد و لذا علی‌الخصوص در تقویم دارایی‌ها و لحاظ دارایی فکری تغییر قانون تجارت اجتناب‌ناپذیر است تا بتوان بدون نقض صریح تفسیری از آن برداشت که به اجرای عدالت بهتر منجر شود. این مبانی فکری باید عملیاتی بشود تا در بازار کنونی اعتمادسازی شود. بررسی این موضوع در حقوق انگلستان در قالب تطبیق با قوانین موضوعه ایران نیز حائز اهمیت بوده که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.



دیدگاه عمومی، مالکیت را تنها تصاحب اشیاء ملموس می‌پندارد و این نوع مالکیت در دیدگاه مردم عیان است. در حال حاضر عموم شهروندان با مسائل مالکیت مادی برخورد داشته و نمونه‌های بارز آن مالکیت منزل است که برای آن سند مالکیت صادر می‌شود. اما دسته‌ای از مالکیت‌ها قابل لمس نبوده که بحث در این خصوص حائز اهمیت است. دین مبین اسلام مالکیت نسبت به حق کسب و پیشه را به رسمیت شناخته که نوعی مالکیت نامحسوس محسوب می‌شود. بر این اساس شخصی که مدتی در یک مغازه کسب دایر کرده، نسبت به آن محل نوعی مالکیت داشته که از آن با عنوان «حق کسب و پیشه» نام برده‌اند. بنابراین مردم متوجه رسمیت اقسام مختلفی از مالکیت‌های غیرمحموس شدند. طبیعتاً حق هر فرد به نسبت مالکیت خود چه مادی و چه معنوی نیازمند حمایت توسط دولت می‌باشد. دانشمندان پیشین نیز با تلاش و زحمت، به کشفیاتی رسیده که طی قرن‌ها نام آن‌ها به‌عنوان کاشف، مشهور بوده است. زکریای رازی که پس از تحقیقات علمی فراوان موفق به کشف الکل شد، به سبب زحماتی که در این راه متحمل شد، حق داشته که نام وی تا به ابد به‌عنوان کاشف الکل شناخته شود. بنابراین حق افراد به نسبت کشفیات خود به‌عنوان مصداقی از مالکیت معنوی به رسمیت شناخته شد و قانون‌گذاران رفته‌رفته در این باره اقدام به وضع قوانین حمایتی نمودند. اما نکته قابل توجه این‌که هر طرح و ایده جدید، لزوماً نمی‌تواند درآمدزا باشد و بخشی زیادی از کشفیات به سبب عدم توجه اقتصادی، بدون استفاده باقی می‌ماند. اما به‌هر حال هر فرد نسبت به زحمتی که از باب تفکر خویش در راه خلق ایده یا طرح نو داشته، مستحق داشتن حق مالکیت معنوی نسبت به آن است. قانون‌گذاران از جهت حمایت از ایده‌های خلاقانه و جهت‌دهی این ایده‌ها به سمت درآمدزایی، حق انحصاری تا مدت مشخصی را برای خالق اثر پیش‌بینی کرده که با درآمدزایی انحصاری، زحمت خویش در خلق اثر نو را جبران نمایند و عامل تشویقی برای تولید طرح‌های دیگر باشد. این نوع حمایت قانونی از مالکیت معنوی، در سراسر جهان و حتی در سطح بین‌الملل نیز وجود داشته و قانون‌گذاران کپی کردن آثار بدیع را جرم‌انگاری کرده‌اند. به‌هر حال درآمدزایی تضمینی از آثار خلاقانه همواره محل تردید بوده و از این حیث برای سرمایه‌گذاران جذابیت مشارکت ندارد. بنابراین قابلیت رهن و توقیف این آثار جای بحث حقوقدانان بوده و اطمینان از نقدشوندگی مالکیت مادی بسیار بیشتر از آثار معنوی می‌باشد.

۲. سوالات و اهداف

سوال پژوهش اینکه وجوه افتراق و اشتراک اثر ورشکستگی بر مالکیت فکری در حقوق ایران و انگلستان چیست؟ هدف پژوهش نیز پاسخ‌دهی به این سؤال می‌باشد.

۳. پیشینه پژوهش

دوتفیلد^۱ (۲۰۱۷) کتابی با عنوان «حقوق مالکیت و صنایع علمی» نگاشت. در این کتاب به صورت مروری به حقوق مالکیت معنوی پرداخته شد و نوآوری چندانی نداشت. اما در تحقیق مدنظر به جنبه‌های مختلف ورشکستگی آن توجه شده است.

1. Dutfield



اسماعیلی یکتایی^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی استفاده آموزشی و صنعتی» چنین استدلال کرده که هدف از وضع قانون حمایت از آثار ادبی، منافع اقتصادی صاحب اثر است. در این تحقیق به الزامات حقوقی احترام به حقوق مالکیت صنعتی توجه نمود، اما به جریان ورشکستگی آن توجه نکرد که در تحقیق کنونی به آن پرداخته شده است.

شبییری زنجانی^۲ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی قواعد حمایت ادبی» بیان داشت که تناقض تعهدات در خصوص مالکیت ادبی تنها در این مشهود است و نمی‌تواند مصداق فعل غیرقانونی باشد. تمرکز این تحقیق بر مسائل حقوق قراردادها در مالکیت معنوی بود که در نوع خود دارای نوآوری می‌باشد. در تحقیق مدنظر، جنبه‌ای دیگر از مسئله حقوقی که ورشکستگی می‌باشد مدنظر قرار گرفت.

گو^۳ (۲۰۲۱) در پایان‌نامه دانشجویی با عنوان «نظام استراتژی مالکیت فکری» بیان داشت که قابلیت حق رهن و توقیف اموال فکری می‌تواند به تشویق و حمایت از خلق آثار بدیع ضربه زند. در این پژوهش به خلا حقوقی توقیف اموال معنوی اشاره شد، اما راهکارهای اصلاح آن ارائه نگردید. در پژوهش مدنظر ضمن ارائه راهکارها از رویه دیگر نیز الگوبرداری شده است.

در خصوص حقوق مالکیت فکری، تحقیقات مختلفی در سطوح داخلی و خارجی انجام شده و بحث در خصوص نحوه توقیف آن از اختلاف نظرهای بین حقوقدانان است. در خصوص اثر ورشکستگی بر این اموال و همچنین تطابق با نظام حقوقی انگلستان تاکنون هیچ تحقیقی انجام نشده و بحثی در این حقوقدانان نیز مشاهده نشده است. البته توقیف اموال یکی از ارکان نظام ورشکستگی بوده که همان‌طور که بیان شد، مورد اختلاف حقوقدانان است، اما به صورت کلی در خصوص ورشکستگی مطلبی بیان نشده است. لذا جنبه‌های نوآورانه تحقیق کنونی نخست اثر ورشکستگی بر مالکیت فکری و سپس تطبیق با حقوق انگلستان می‌باشد.

۴- توقیف اموال معنوی در نظام حقوقی ایران

در این قسمت توقیف اموال معنوی در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

• ۴-۱ شیوه های توقیف اموال فکری

تبصره ذیل ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی، مصوب ۱۳۵۶ تصریح می‌کند که تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنان بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی‌شود. به عبارت دیگر، تا زمانی که اثر در گردش اقتصادی قرار نگرفته، قابلیت توقیف ندارد. البته در بعضی قوانین ملی، اگر قصد مولف به انتشار آثارش در زمان حیات احراز شود، توقیف امکان‌پذیر است.

نکته حایز اهمیتی که در موضوع توقیف و انتقال قهری باید به آن توجه کرد آن است که در بعضی از قوانین، اگر سابقه‌ای از انتقال ارادی برای مالک فکری در دسترس نباشد، انتقال قهری را غیرممکن می‌دانند. به عبارت دیگر، تنها زمانی می‌توان اموال

1 Esmaili Yadaki
2 Shobeiri Zanjani
3 Guo



فکری را توقیف، مصادره با انتقال داد که در گذشته، مالک فکری به صورت ارادی به انتقال آن مبادرت کرده باشد. برای مثال، اگر اولین انتشار با مجوز اجباری صورت گیرد، از آنجا که رضایت حقیقی مالک به مرحله ظهور نرسیده، امکان توقیف وجود نخواهد داشت. این امر می‌تواند توجه به حق معنوی را نشان دهد.

• ۴-۱-۱ توقیف آثار ادبی و هنری

مالکیت ادبی و هنری در رابطه با خلاقیت‌های هنری و ادبی از قبیل تصنیفات، تألیفات، آثار هنری، اشعار، داستان، موسیقی، آثار سینمایی و سایر آثار علمی و هنری می‌باشد. به موجب تعریف یکی از حقوق دانان، حقوق مالکیت ادبی و هنری، حق استفاده مالی و انحصاری و موقت هنرمند یا نویسنده از هنر یا نوشته خود می‌باشد (رضوانی، ۱۳۹۳: ۵۴).

به نظر برخی دیگر از مؤلفان، حقوق مالکیت ادبی و هنری عبارت است از حقوقی که به تألیف‌ها، تصنیف‌ها اعم از کتاب، پایان‌نامه‌ها، جزوه، نمایشنامه، شعر، اثر سمعی و بصری، اثر موسیقی، نقاشی، تصویر، طرح، مدل‌های تزئینی، پیگرد، مجسمه، طرح‌ها و نقشه‌های ساختمان و مانند این‌ها تعلق می‌گیرد (دارایی، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

در واقع، همان‌طور که از تعاریف ذکر شده مشخص می‌باشد، پیگیری حقوق مؤلفان و مصنفان براساس این شاخه از حقوق امکان‌پذیر است.

آثار ادبی و علمی به موجب ماده ۴ «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸»، به عنوان یکی از اقسام حقوق مالکیت ادبی آورده شده است. با این حال، قانون‌گذار تعریفی از این دو اثر به عمل نیاورده است. قانون‌گذار در ماده ۱ «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸» اثر فکری را به معنای آنچه از راه دانش یا هنر با ابتکار پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن سلیقه یا روشی که در بیان یا ظهور و با ایجاد آن به کاررفته، تعریف نموده است. کلمه ادبی نیز منسوب به ادب و به معنای فرهنگ و دانش است که قدما، علم ادبی را شامل علم لغت هر زبان، صرف و نحو، معانی، بیان، بدیع، عروض، قافیه قوانین خط، قوانین قرائت و امثال آن می‌دانستند (طهمورث پور، ۱۳۸۸: ۶۹).

آثار ادبی و علمی از نظر موضوع و نتیجه، قلمروی بسیار گسترده دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به انواع مطالعات در زمینه سوابق تاریخی زندگی بشر، تحولات جوامع، تشکل‌های سیاسی و غیره، تهیه و تنظیم نمایشنامه‌های مختلف، اشعار، ترانه‌ها و غیره اشاره نمود. ماده ۴ «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸» به ذکر مصادیق اثر ادبی و علمی پرداخته است که البته این فهرست جنبه حصری ندارد. با این حال، برخی عقیده دارند که با توجه به جنبه جزایی و تعیین مجازات و عنوان مجرمانه برای آثار مذکور در این ماده، نمی‌توان تفسیر موسع به عمل آورد و عنصر قانونی بودن جرم در قوانین جزایی، به کاربردن موارد ذکر شده در قانون را به صورت محصور موجب می‌شود.

به نظر می‌رسد که بندهای ۱۲ گانه ماده ۲ قانون مذکور در عمل قلمروی وسیعی دارند و به عنوان یک قاعده کلی، حقوق مالکیت ادبی و هنری و هرگونه اثر فکری در زمینه‌های ادبی و هنری و علمی و فنی حمایت می‌کند.



بند ۱۱ ماده ۳ «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» نیز، اثر فنی را که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد را به عنوان یک اثر قابل حمایت برشمرده، ولی تعریفی از نوشته فنی و ادبی ارائه نموده است.

منظور از نوشته فنی، هر نوشته‌ای است که جنبه فنی داشته باشد و در زمینه امور فنی مورد استفاده قرار گیرد، نظیر نوشته‌ای که چگونگی ساخت موتور یک اتومبیل را شرح می‌دهد. اثر فنی نیز به معنای نتیجه، اثر و نقش‌های است که با کمک مجموع وسایل و ابزار مناسب و مشکل، از طریق دانش فنی به صورت موضوعی فنی درآمده باشد، اثر فنی در صورتی مورد حمایت قانون‌گذار قرار می‌گیرد که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد (اصلائی، ۱۳۸۱: ۴۳).

در حقوق ایران و در «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان»، آثار هنری به طور پراکنده و در بندهای مختلف ماده ۲ آورده شده‌اند و نظم و ترتیب خاصی در این زمینه به چشم نمی‌خورد. یکی از بارزترین جلوه‌های آثار هنری عبارت از آثار موسیقایی است که در بند ۴ ماده ۲ به عنوان اثر مورد حمایت شمرده شده است.

آثار فرعی یا ثانوی و اشتقاقی نیز به آثاری گفته می‌شوند که از آثار اصلی متفرع و مشتق شده باشند که به آن‌ها اثر اقتباسی نیز می‌گویند. در حقوق ایران از آثار فرعی به استثنای ترجمه، صریحا حمایت نشده است، ولی با توجه به عموم ماده ۱ و بند ۱۲ ماده ۲ و بندهای هفت گانه ماده ۵ و ماده ۲۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و نیز قانون ترجمه و تکثیر و نشر کتب و آثار صوتی به خوبی استنباط می‌شود که این گونه آثار ثانوی و فرعی مورد حمایت قانون‌گذار قرار دارند. آثار فرعی ترکیبی دیگر نظیر برگزیده اشعار از شعرای مختلف در یک مجموعه که از چند اثر اصلی پدید آمده‌اند نیز به موجب بند ۱۲ ماده ۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مورد حمایت واقع شده‌اند.

البته، آثار فکری فرعی با حفظ حقوق پدیدآورندگان آثار اصلی مورد حمایت قرار خواهند گرفت و در این رابطه، نیاز به اجازه مؤلف اصلی اثر می‌باشد. قانون‌گذار در قانون اجرای احکام مدنی، مصوب ۱۳۵۶ از جهت توقیف، ما را محدود به توقیف مال نموده است. از تعریف مال این گونه فهمیده می‌شود که مال معادل چیزی است که قابلیت نقل و انتقال داشته باشد تا بتوان به وسیله توقیف، از نقل و انتقال آن جلوگیری نمود.

• ۴-۱-۲ توقیف مالکیت فکری در دیگر روش‌های حقوقی

در قسمت بعدی در مورد توقیف اموال فکری به واسطه انتقال به ورثه صحبت شده است. اما دیگر روش‌های توقیف اموال فکری وجود داشته که عمدتاً به مسئله بدهی و طلب بازمی‌گردد. گاه توقیف یک اثر معنوی، توسط مدعی‌العموم و به واسطه احکام حکومت اسلامی اتفاق می‌افتد، ولی در اکثر موارد به موجب شاکای خصوصی، مال توقیف می‌گردد. شاکای خصوصی می‌بایست طلب خود را اثبات کرده و به موجب قانون اجرای احکام مدنی، مصوب ۱۳۵۶، نسبت به مصادره دین خود از اموال مدیون، مبادرت ورزد. مسئله رهن نیز در همین حیطه بحث گردیده است.



• ۴-۱-۲-۱ توقیف توسط مدعی العلموم

با وجود این که حق مالکیت معنوی مطابق قانون برای صاحب اثر به رسمیت شناخته شده است، اما خالق یک اثر برای فعالیت‌های مالی مرتبط با آن، می‌بایست از مراجع ذیصلاح مجوز لازم را اخذ کند. در صورت عدم سازگاری اثر با منافع ملی، حکومت اسلامی وظیفه ممانعت از نشر آن را دارد. منابع حقوقی مرتبط با این موضوع از قاعده فقهی لا ضرر سرچشمه گرفته است.

این قاعده اولاً؛ مستند به دلیل عقل است؛ زیرا عقل ضرر رساندن را قبیح دانسته و آن را محکوم می‌کند و طبق قاعده ملازمه (کَلِمَا حَكَمَ بِه الْعَقْلُ حَكَمَ بِه الشَّرْع) این قاعده مسلم می‌گردد. ثانیاً؛ در قرآن می‌خوانیم، «لا تضار والده بولدها ولا مولود له بولده» نباید مادر به واسطه قطع شیر به کودک خویش ضرر برساند و یا اینکه «ولا تمسک وهن ضاراً لتعتدوا» وقتی زنان خود را طلاق دادید، اگر واقعاً نمی‌خواهید با آنان زندگی کنید، صرفاً به منظور آزار دادن به آنان رجوع نکنید (پورعابد گلرودباری، ۱۳۸۹: ۶۵).

قاعده «لا ضرر» از ادله مذکور استخراج و از مبانی مورد اتفاق اهل تسنن و امامیه است و در کتب روایی به نحو تواتر اجمالی دیده شده، و فقهاء آن را به عنوان «کبری قضایای فقهی» مطرح ساخته‌اند. احکامی همچون حکم حرمت ضرر رساندن، حرمت مقابله ضرر با ضرر دیگر، وجوب تدارک و جبران ضرر ناروا، و ... از این قاعده به دست آمده‌اند. این قاعده از متن روایات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، گرفته شده است تا جایی که شماری از فقیهان ادعای تواتر کرده‌اند. همچنین در شریعت اسلام هر حکم وضعی یا تکلیفی که موجب ضرر بر فرد یا نوع انسانی باشد، مطرود است. این قاعده مقرر می‌دارد که قراردادها نباید موجب ورود زیان بر طرفین گردند و بر همین اساس و به جهت جلوگیری از ضرر یا جبران آن، حق فسخ (خيارات) در معاملات در نظر گرفته شده است. هر عقد لازمی را می‌توان مشمول «خيارات» دانست و به جز سه خیار، مجلس، حیوان و تأخیر ثمن که مختص عقد بیع است؛ تمامی خيارات (شرط، رؤیت و تخلف وصف، غبن، تدلیس، تبعض صفقه، تخلف شرط) در کلیه عقود جاری هستند (حبیبی مجنده، ۱۳۸۴: ۸۵).

مستند به این قاعده فقهی، قوانین متعددی وضع شده است. در مورد نشر کتاب، هر چند منبع حقوقی مشخصی در این باره وجود ندارد، اما صدور مجوز وزارت ارشاد اسلامی برای نشر یک کتاب ضرورت داشته و در صورت نشر کتاب بدون مجوز مذکور، مجازات‌هایی در انتظار ناشرین قرار دارد.

در مورد اختراعات، بسته به نوع آن، اخذ مجوز از دستگاه‌های ذی ربط ضرورت دارد. مثلاً یک مخترع جهت صنعتی نمودن طرح خود می‌بایست از سازمان صنعت، معدن و تجارت مجوز لازم را اخذ کند. و یا یک کاشف مواد دارویی می‌بایست مجوز خود را از وزارت بهداشت دریافت کند. بر این اساس، هر چند که حق مالکیت معنوی صاحب اثر پابرجاست و ذکر نام وی و همچنین امتیاز انحصاری منافع مالی آن تا مدتی به وی تعلق دارد، اما خود فرد جهت راه‌اندازی کسب و کار مرتبط با آن، می‌بایست مجوز لازم را اخذ کرده و در صورتی که مسئولین ذی ربط، زیان‌بار بودن اثر را تشخیص دهند، می‌توانند از انتشار آن ممانعت کرده و



خالق اثر را به جهت عمل غیرقانونی به مراجع قانون معرفی کنند. در این موارد، جرم عمومی صورت گرفته و مدعی العموم، می‌تواند نسبت به صدور کیفرخواست اقدام کرده و از نشر اثر ممانعت کند (کشاوری، ۱۳۶۹: ۱۲).

۴-۲-۱- توقیف از جهت شاکی خصوصی

در اکثر موارد، به سبب وجود شاکی خصوصی که مرتبط با دین می‌باشد، و در راستای اجرای مفاد قانون اجرای احکام مدنی، اموال مدیون مصادره می‌شود. در اینجا در دو قسمت به این بحث پرداخته شده است.

الف: رهن اموال فکری

مسئله رهن اموال فکری در دیگر کشورها رسمیت دارد. شرکت داروسازی در آمریکا برای اخذ وام ۲۰۰ هزار دلاری، حق اختراع داروی خود را رهن گذاشت و در ژاپن شرکت فیلم‌سازی حق مالکیت ادبی و هنری خود را به‌عنوان وثیقه وام ۶ میلیون ین قرارداد. در واقع از حق انحصار خود برای ضمانت استفاده کرده اند. چنین مصداتی در کشور ما دارای ابهام است (عباسی و نوده، ۱۳۹۳: ۷۰).

در حقوق ایران به‌رغم نیاز مبرمی که در حقوق تجارت و نیز حقوق بانکی و ثبتی، به وجود نهاد رهن اموال فکری حس می‌شود، دو مانع عمده بر سر راه ترهین این اموال وجود دارد: ۱- شرط عین معین بودن (ماده ۷۷۴ قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۱ با آخرین اصلاحات سابقه‌ی فقهی دارد و اشعار می‌دارد: مال مرهون باید عین معین باشد) و ۲- شرط قبض مال مورد رهن، از این‌رو رهن چنین اموالی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، اما این دشواری با ارائه راه‌حلی‌هایی از سوی حقوق‌دانان روبرو شده است و می‌توان با تعبیر عین به اصل مال (به‌طور کلی چیزی که مالیت دارد و مردم به آن رغبت دارند) در برابر منافع و حق بهره‌برداری از این اموال و نیز امکان قبض اسناد و اوراق مالکیت اموال فکری (استیلائی عرفی به جای قبض عین)، مشکل را حل نمود (حبیبی، ۱۳۹۸: ۱۴۱). در حال حاضر، استفاده از حق مالکیت معنوی به عنوان رهن، در حقوق ایران مرسوم نیست و لیکن براساس ماده ۱۰ قانون مدنی، می‌توان نوعی قرارداد در این‌باره نگاشت. به چند مثال حقوقی توجه شود.

در بررسی مصادیق اخذ وام‌های بانکی در چند شعبه مختلف، و همچنین مصاحبه با روسای شعبه، چنین عنوان شد که تنها سند مالکیت شرکت دانش بنیان به عنوان وثیقه قابل‌پذیرش است و به هیچ وجه با سند حق مالکیت معنوی و فکری وام اعطاء نشده و در بخشنامه‌های بانکی چنین موردی تصریح نشده و لذا تنها بخش منافع مالی، قابلیت رهن دارد. سرقفلی مغازه‌ها نیز قابلیت رهن نداشته و تنها سند مالکیت از جهت رهن، رسمیت دارند.

ب: دیون

همان‌طور که بیان شد، مواد مصرح در قانون اجرای احکام مدنی، تحت شرایطی توقیف اموال در ازای دین را قانونی می‌داند. اما به موجب مواد ۱۰۲ و ۱۱۲، می‌توان از عواید مال بهره برده و خود مال را مصادره نکرد. حق نام نهادن بر یک اثر، به صورت مطلق غیر قابل مذاکره بوده و همان‌طور که بیان شد، حتی به فرض مغایرت اثر معنوی با قانون، باز هم این حق قابل اسقاط نیست و



کپی برداری از آن مجازات در پی دارد. این مسئله در مثال‌های حقوقی مرتبط تشریح شد. حق انحصار سی ساله که برای مالک اثر لحاظ شده، می‌تواند توسط نوعی اقاله، به محکوم علیه، واگذار شود. البته همان‌طور که بیان شد، این مسئله به اقاله مرتبط است که در ماده ۲۶۴ قانون مدنی تصریح شده که به واسطه آن تعهدات ساقط می‌گردد. اما اگر رضایت خالق اثر در کار نباشد، نمی‌توان به صورت قهری این حق را مصادره نمود. در واقع مصادره قهری حق مالکیت معنوی، ممکن نیست. اما استفاده از عواید و منافع آن به موجب مواد ذکر شده، به رسمیت شناخته شده است. در بخش مثال‌های حقوقی در مورد سهام ۵۱ درصد شرکت دانش بنیان مثالی بیان شده است، در تشریح آن، می‌توان چنین بیان کرد که حقوق اداره شرکت‌ها چنین عنوان داشته که اداره کامل یک شرکت به واسطه سهام بیش از ۵۰ درصد آن ممکن است و چون طرفین به حفظ اثر خلق شده خود اصرار داشتند، قاضی صادرکننده حکم، تنها به مصادره بخشی از شرکت حکم داد که سهم مجموع طرفین خالق اثر به صورت ۵۱ درصد حفظ شود. با ذکر این مورد، به چند مثال حقوقی دیگر با توجه به حقوق عرفی پرداخته شده است (سامانه ساعد).

• ۲-۴ بررسی رویه حقوقی

خانم «ن» دارای طرح‌های نقاشی بود که به علت نبود مکان، آن را در زیرزمین دوستش، خانم «س» واقع در تهران به امانت گذاشت. خانم «س» طی برگزاری نمایشگاه نقاشی در تهران، به ثروت کلانی دست یافت و همه نقاشی‌ها را به نام خود فروخت. خانم ن متوجه ماجرا شده و مدت‌ها برای شکایت دست نگه داشت. خانم س قصد داشت با دادن همه عواید مالی حاصله به ن وی را از شکایت منصرف کند، اما سرانجام شکایت صورت گرفت، ولی پیش از صدور حکم، شاکی رضایت داد. دادگاه براساس گزارش مددکار اجتماعی، به موجب قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹، حکم به پرداخت همه عواید مالی به خانم ن داد و خانم س را به موجب قانون حمایت از حقوق معنوی، و البته با توجه به جرم عمومی، به ۶ ماه حبس که جایگزین آن کار اجباری در قانون فرهنگی آموزش بود، محکوم نمود (سامانه ساعد).

از این مثال حقوقی، چنین برداشت شده که جرم عمومی قیدشده در این مورد مهم، حتی با رضایت شاکی، به صورت عمومی خود باقی خواهد ماند. شاکی تنها به واسطه زیان‌های مادی و معنوی و دیگر حقوق از دست رفته، می‌تواند در سیستم قضائی پیگیر باشد.

در مثال حقوقی دیگر در یکی از استان‌های غرب کشور، آقای ع.ک مخترع یک طرح لوله‌کشی آب، پس از مدتی (پس از دریافت گواهی ثبت اختراع) متوجه شد که نمونه طرح با کمی تغییر به صورت انبوه در حال تولید است. پس از پیگیری متوجه شد که داور طرح، اقدام به چنین عملی کرده است. دادگاه عمومی شهرستان محل اقامه دعوی، حکم به واگذاری تمام و کمال شرکت ثبت‌شده تولیدی به نام ع.ک داد و برای داور متخلف حکم انفصال از خدمات دولتی و لغو پروانه کارشناسی دادگستری صادر شده و بدل از حکم زندان، به یک سال تدریس رایگان در یکی از موسسات آموزش عالی محکوم شد (سامانه ساعد).



از این مثال حقوقی چنین برداشت شده که صورت جبران خسارت مادی و معنوی چنین اقدام غیرقانونی، توسط عرف جامعه تعیین شد. به نظر قاضی پرونده، تمام سرمایه‌گذاری انجام شده در این حوزه، می‌تواند جبران خسارات مادی و معنوی مخترع باشد. این تصمیم براساس عرف عمومی صادر شد و از نظر جنبه عمومی جرم، به محکومیتی جایگزین از زندان، مبدل گشت.

۵- توقیف آثار مالکیت معنوی در حقوق انگلستان

نظام حقوقی انگلستان در صدر شناسایی حقوق مالکیت فکری بوده که قدمت این مهم در این کشور به بیش از یک صدسال می‌رسد. عمده کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با کپی‌رایت، با تلاش این کشور تصویب شده است. آنچه انگلستان را به سمت این رویه کشاند، ماهیت استعماری این کشور بود، چراکه در اهداف استعماری، استخراج مواد خام از کشورهای مستعمره و صادرات محصولات به آنجا، سیاست اصلی دولت‌ها بوده است. بنابراین محصولاتی که تولید آن‌ها در انحصار دولت‌های استعمارگر بود، تحت قوانین مالکیت فکری درآمد و برای آن سند صادر شد. در حال حاضر در انگلستان برای هر طرح و ایده جدید، سند مالکیت صادر گردیده و هر فرد نسبت به طرح نوآورانه خود دارای مالکیت معنوی می‌باشد. در سند مالکیت، مدت‌زمان حمایت و حق انحصاری ذکر شده که این مدت در انگلستان ۲۰ سال از زمان خلق اثر است. در دیگر کشورهای با نظام حقوقی کامن‌لا همین مدت ذکر شده است. در ایالات متحده آمریکا، بسته به ماهیت طرح این مدت متفاوت است. در کشورهای استرالیا و آلمان نیز همین مدت در اسناد ذکر شده و مدت مالکیت معنوی از ده سال تا مادام‌العمر مشاهده شده است. اما در انگلستان این مدت محدود بوده و برای هر طرح بدیع، مدت حمایت ۲۰ ساله ذکر شده است (گرانستون^۱، ۱۹۹۹: ۹۸).

در خصوص این که نظام کامن‌لا وضعیت پذیرش حق مطلق را دارد، اختلاف نظرهایی وجود داشته و جملگی حقوقدانان به انعطاف این قوانین ایمان دارند که در بخش بعدی به بحث در این خصوص پرداخته شده است. اما قاعده حق مطلق از این وضعیت نشأت گرفته که ممکن است برخی جنبه‌های حقوقی تاکنون سابقه نداشته باشد و قاضی دامنه بررسی خود را محدودتر نماید. این وضعیت نوعی پذیرش حق مطلق را به پیش می‌کشد. در خصوص مالکیت فکری، حق به ارث رسیدن برای این مهم در رویه حقوقی انگلستان جایی ندارد. در چند پرونده حقوقی این کشور چنین عنوان شد که پس از مرگ خالق یک اثر بدیع، حق انحصاری وی نیز از بین رفته و استفاده از آن برای عموم آزاد می‌باشد. در کتاب قانون این کشور، کمتر از ۲۰ مورد پرونده حقوقی در این مورد یافت شده، اما رویه مطلق قانون، عدم توارث آن عنوان شده است (لرنلی^۲، ۲۰۰۴: ۱۲۱).

در موردی دیگر، حق حفظ نام خالق اثر تحت هر شرایط در مثال‌های حقوقی این کشور یافت شده که رویه صحیحی می‌باشد. تغییر نام خالق اثر تحت هر عنوان ممنوع بوده و حتی مالک طرح نیز مجاز به چنین اقدامی نمی‌باشد و مجازات‌های کیفری برای آن پیش‌بینی شده است.

1 Granstrand
2 Lemley



همان‌طور که اشاره شد؛ در کامن‌لا جنبه‌های انعطاف در قوانین بیشتر از مطلق بودن آن است. برحسب مصلحت و نیاز، توافقات دولتی قابل اقاله است. در خصوص حق مالکیت معنوی ۲۰ ساله، استثناهایی وجود داشته که جهت تبیین بهتر آن، به ذکر یک مثال حقوقی اشاره شده است.

در سال ۱۹۵۸ میلادی تولید فورج سرد لوله‌های تانک چيفتن^۱ به‌عنوان طرح نوآورانه ثبت شد و برای خالق طرح، سند مالکیت صادر شد. وزارت دفاع بریتانیا با این شرکت در سال ۱۹۷۰ و در جریان سفارش‌های متعدد این تانک‌ها، قرارداد بازرشی امضاء نمود، چراکه پیش‌تر فروش این تانک‌ها چندان پررونق نبود. در سال ۱۹۷۷ مالک طرح با نگاهش نام‌ه به دولت چنین بیان داشت که به علت مشکلات خاص مربوط به وزارت دفاع و همچنین انحصاری بودن خریداران این محصول، وی تنها ۷ سال از موقعیت فروش انحصاری بهره برده و با کاهش سفارش‌ها و لغو انحصارات این حوزه، شرکت مذکور دیگر توان ادامه حیات ندارد. دولت مسئله را با مجلس اعیان مطرح کرد و با مجوز مجلس اعیان، دولت ضمن ارسال نامه‌ای به سازمان مالکیت معنوی، خواهان تمدید ۱۰ ساله حق انحصاری این شرکت شد. این درخواست مورد قبول واقع شد و با صدور سند جدید، حق مالکیت معنوی شرکت دانش‌بنیان، تا سال ۱۹۸۹ تمدید شد (رهامان^۲، ۲۰۱۷: ۸۵).

از این مثال حقوقی به‌خوبی انعطاف در قوانین نانوشته انگلستان مشاهده می‌شود. در صورتی که تحت شرایط خاص، مالک معنوی طرح، قادر به بهره‌برداری مناسب مالی نباشد؛ می‌توان با تمدید مدت حمایت، گامی در جهت افزایش منفعت مالی وی برداشت. البته با توجه به این‌که نظام پارلمانی در بریتانیا حاکم است، تعامل مناسب قوای سه‌گانه در این کشور مشاهده شده و مجلس اعیان در این کشور هم‌زمان نقش نوعی دادگاه در سطح عالی را بر عهده دارد. در واقع تداخل بین قوای مقننه و قضائیه در این حالت قابل مشاهده است. مکاتبات بین این نهادها در نهایت می‌تواند قوانین انعطاف‌پذیر این کشور را تغییر دهد. بنابراین با تمدید مدت حمایت از طرح، انعطاف در قوانین مشاهده شد. می‌توان چنین بیان داشت که دولت تنها به هدف اعلاء نگریسته و تحقق این هدف دغدغه اصلی مسئولین قوای سه‌گانه است. در خصوص مالکیت معنوی، بهره‌برداری مالی از طرح نوآورانه هدف اصلی دولت‌هاست که به ماهیت آن در فصل اول اشاره شد. اگر بنا به تشخیص مسئولین، بهره مناسب مالی از طرح برده نشده است، می‌توان تحت شرایطی نسبت به تمدید مدت حمایت از طرح اقدام نمود.

• ۱-۵ ورشکستگی در نظام حقوقی انگلستان

مطابق عرف حقوقی در تمامی کشورهای جهان، ورشکستگی در نظام حقوقی این کشور مورد بحث حقوقی قرار گرفته و البته در این مورد نیز منبع حقوقی خاصی وجود ندارد. به‌هر حال هر کاسب و تجار در صورتی که دارایی‌های وی تأمین‌کننده بدهی‌هایش نباشد، ورشکست خوانده شده و قانون از وی حمایت‌هایی خواهد نمود. وزارت دادگستری انگلستان مسئولیت رسیدگی به مسائل ورشکستگی را عهده‌دار بوده و بنابراین بخشنامه‌های اجرایی این نهاد اجرایی قضائی می‌تواند منبع حقوقی در این مورد تلقی شود.

۱ Chieftain

۲ Rahaman



به موجب بخشنامه نوامبر ۱۹۷۸ که هنوز هم معتبر می‌باشد، وزارت دادگستری صورت کلی دارایی‌های ورشکستگان را تهیه کرده و معاملاتی که از دو سال پیش از ورشکستگی انجام شده نیز صورت تهیه کرده و برای بررسی دقیق‌تر آن را به پلیس امنیت اقتصادی این کشور تحویل می‌دهد. پلیس مستندات مشکوک بودن معاملات را برحسب میزان ارزش به دادگاه شاهی و یا مجلس عیان ارائه کرده و در صورت تائید دادگاه به صوری بودن معامله، آن اموال نیز در شمول اموال ورشکسته تلقی شده و برای خریدار صوری نیز مجازات پیش‌بینی شده است (براندر^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۹۱۰).

اما مصوبه مارس ۱۹۶۷ هیئت‌وزیران بریتانیا در این خصوص بسیار حائز اهمیت بوده که بخشنامه‌های متعددی در این خصوص صادر شده است. در این بخشنامه اجرای کامل ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ خواسته شده است. به موجب این ماده، هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد (بولدرین^۲ و لوین^۳، ۲۰۰۲: ۲۰۹).

بر این اساس وزارت دادگستری با تهیه بخشنامه‌هایی، چنین اعلام کرد که با وجود تسویه بدهی‌های تاجر ورشکسته و مجازات کیفری وی، باز هم حداقل استاندارد زندگی وی شامل منبع حداقلی درآمد می‌بایست پیش‌بینی گردد. بنابراین مصادره کامل دارایی‌های یک ورشکسته مجاز نبوده و تأمین حداقل‌های زندگی وی ضرورت دارد. در رویه فعلی چنین عنوان شده که حداقل امکانات زندگی و همچنین حداقل منبع درآمدی برای وی می‌بایست پیش‌بینی گردد و در صورت عدم کفایت آن، دولت نیمی از کرایه منزل وی را پرداخت خواهد نمود.

• ۵-۲ حامیان مالکیت معنوی در انگلستان

نهادهای متعددی در انگلستان حامی حقوق مالکیت فکری بوده که در راستای حمایت از این حقوق گام‌های متعددی برداشته‌اند. اما به عقیده حقوقدانان، این نهادها تنها در قابلیت توقیف اموال فکری، ناموفق بوده و نتوانسته‌اند نظام قضائی این کشور را به منع چنین رویه‌ای وا دارند.

سازمان حمایت از مالکیت فکری^۴ در انگلستان یک نهاد عمومی بوده که بودجه آن توسط برخی شرکت‌های بزرگ دانش‌بنیان تأمین شده و دیگر کمک‌ها به آن جنبه اختیاری دارد. معمولاً برحسب تعهدات نزاکتی، هر شرکت دانش‌بنیان سالانه مبلغی به این نهاد کمک می‌کند. در صورت کمبود بودجه نیز دولت از این نهاد حمایت مالی خواهد کرد. سازمان در تقسیم‌بندی داخلی،

^۱ Brander

^۲ Boldrin

^۳ Levine

^۴ Intellectual Property Protection Organization (IPPO)



شاخه‌های مختلفی دارد، من جمله بخش حمایت از تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی، خودرویی و که هر بخش به صورت تخصصی مسائل مرتبط با مالکیت فکری را پیگیری می‌نماید (پار^۱، ۲۰۱۸: ۸۵).

در اساسنامه این سازمان بیان شده که هدف از تأسیس این سازمان، حمایت از حقوق مالکیت معنوی و ایجاد جنبه‌های تشویقی برای اقدامات نوآورانه می‌باشد. یکی از اعتراضات این سازمان، ممانعت از توقیف اموال فکری است که خود سازمان نیز از اموال خود بارها مانع چنین اقدامی توسط دولت شده است (ژانگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۶۲). برای تبیین بهتر ماهیت این سازمان، به چند مثال ذیل توجه شود

در سال ۲۰۱۰ میلادی که یک شرکت دانش‌بنیان داروسازی دارای حق مالکیت فکری ورشکست شد، به حکم دادگاه دوره ده‌ساله باقی‌مانده حق انحصاری مطابق با سند مالکیت فکری، به نفع طلبکاران مصادره شد. سازمان حمایت، اقدامات متعددی برای مقابله با این تصرف انجام داد و در نهایت توانست طی رایزنی با چند بانک، آن‌ها را به پرداخت وامی برای تسویه بدهی‌های مالک شرکت وادارند که در نهایت با وجود مصادره اموال مادی شرکت، اصل حق انحصاری محفوظ ماند که موجب شد کسب و کار مالک اثر، تا سال ۲۰۱۸ مجدد به دوره رونق خود بازگردد (پار، ۲۰۱۸: ۸۶).

در سال ۲۰۱۵ جریان مصادره مالکیت فکری پهباد ناظر بر زمین‌های کشاورزی، به سبب بدهی یک کشاورز مطرح شد که تلاش‌های مکرر سازمان بی‌نتیجه ماند و در نهایت حق انحصاری تولید این پهباد ۲۰۰ هزار پوند تخمین زده شد و به‌عنوان تأمین، به بدهکار واگذار گردید (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۶۲).

۳-۵ مالکیت معنوی در کامن لای انگلستان

تاکنون چنین بیان شد که کامن لای انگلستان در غیاب منبع حقوق نوشته، ماهیت و آثار مالکیت فکری را مشخص کرده است. با وجود حمایت‌های ویژه دولت از مالکان آثار فکری، قابلیت رهن و مصادره این اموال انتقادات وارده به نظام قضائی انگلستان محسوب می‌گردد. نظام قضائی انگلستان برای رسیدگی به مسائل مالکیت معنوی، شعبه‌ای ویژه تعیین نکرده است. در نظام دادگستری بریتانیا، دادگاه عالی قضائی بوده که خود شامل دادگاه عالی عدالت، دادگاه استیناف، کمیته قضایی مجلس اعیان و کمیته قضایی شورای خصوصی سلطنت است. مراجع دون پایه نیز شامل دادگاه‌های کانتی و ماجستریت وجود دارد که نهادهای کوچک باهدف رفع اختلاف‌های کوچک‌تر باهدف عدم ارائه به دادگاه‌ها، تشکیل شده است (مانسفیلد^۳، ۲۰۱۹: ۲۰).

تمامی این نهادها صلاحیت لازم به مسائل مالکیت معنوی برحسب ارزش آن را دارند. بنابراین صلاحیت خاص مرتبط به آن تعیین نشده است.

۱ Parr

۲ Zhang

۳ Mansfield



دادگاه‌های عالی باتوجه به بالاتر بودن سلسله‌مراتب، آرائی صادر کرده که برای دادگاه‌های با رده پائین‌تر لازم‌الاجراست. وظیفه دادگاه‌های عالی عدالت و استیناف این است که به دعای حقوق رسیدگی کرده و این مسئله در سوابق تقنینی دادگستری این کشور مشاهده شده است. دادگاه استیناف وظیفه فرجام‌خواهی را بر عهده داشته و صلاحیت دادگاه‌های عالی در رسیدگی به دعاوی، تقریباً نامحدود می‌باشد. همان‌طور که بیان شد، قانون نوشته در این حوزه وجود نداشته و براساس سابقه تقنینی، این مسئله مشاهده شده است. تمامی این دادگاه‌ها حسب ارزش مالکیت معنوی حق رسیدگی به موضوع را دارند (آریستودمو^۱ و تیتزه^۲، ۲۰۱۸: ۴۰).

به‌صورت عرفی، چنین وضعیتی در نظام انگلستان حکم‌فرماست که هر دادگاه با رتبه بالاتر مرجع فرجام‌خواهی دادگاه پائین‌تر قرار دارد. لذا فرجام‌خواهی دادگاه عدالت در دادگاه استیناف و سپس در کمیته قضائی مطرح می‌شود. این مسئله به‌مانند آنچه گفته شد، سابقه نوشته نداشته و به‌صورت عرفی در حقوق این کشور مشهود است

در نظام انگلستان، صلاحیت‌ها دارای رتبه‌بندی است. در مورد دادگاه عالی توضیحاتی داده شد که صلاحیت آن‌ها عام و کلی بوده و معمولاً حق رسیدگی به تمامی دعاوی را دارند. اما دادگاه‌های دیگری نیز وجود داشته که صلاحیت آن‌ها در درجه دوم قرار دارند. این دادگاه‌ها شامل دادگاه‌های کانتی و ماجستریت هستند که به ترتیب در امور حقوقی و سپس کیفری صلاحیت رسیدگی به دعاوی را دارند.

به قضات دادگاه‌های عالی جاستیک^۳ و به رئیس آن‌ها پیف جاستیک^۴ یا چیف^۵ می‌گویند. قضات استیناف و رئیس آن‌ها به ترتیب به لورد جاستیک^۶ و مستر آف رول^۷ معروف‌اند. قضات شاغل در دودسته از دادگاه‌های مذکور، از نظر رتبه برابر و حقوق یکسان نیز دریافت می‌کنند. قضات دادگاه عالی نیز ممکن است در دادگاه استیفا حضور داشته باشند.

بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که دادگاهی که بحث ورشکستگی یا دین در آن مطرح است، می‌تواند به بحث حقوق مالکیت معنوی نیز رسیدگی کند. در اینجا عدم بررسی تخصصی مالکیت معنوی و این‌که قضات این حوزه اطلاعات لازم را در این مورد دارند یا خیر؛ جای بحث است.

براساس رویه حقوقی چنین برداشت شده که در صورت دعاوی مرتبط با دین در دادگاه‌های حقوقی انگلستان، احکام توقیف اموال فکری توسط همین دادگاه‌ها صادر می‌شود و سیاست آن‌ها آن است که توقیف این اموال آخرین راه‌حل تلقی شود. در مثال حقوقی پیشین در بخش کیفری نیز به این مهم اشاره شد. در واقع اگر دیگر اموال بدهکار برای تأدیه دیون کافی باشد، آن‌ها در

1 Aristodemou

2 Tietze

3 justice

4 chief justice

5 chief

6 lord justices

7 master of rolls



توقیف دارای اولویت هستند. در نهایت اگر نیاز به تأدیه بیشتر احساس شد، اموال فکری توسط کارشناس ارزش گذاری شده و به حراج گذارده می شود. ذیلاً به ذکر چند مثال حقوقی در این خصوص توجه شود.

در سال ۲۰۱۲ سند مالکیت فکری برای تولید چسب بخیه برای آقای اسمیت^۱ آلمانی الاصل مقیم انگلستان صادر شد. این طرح به دلیل نداشتن توجیه اقتصادی، به مرحله تولید انبوه نرسید. در سال ۲۰۱۴ بانک شاهنشاهی انگلستان از این فرد شکایت نمود که ۱۰ هزار پوند به آن بانک بدهکار است. با توجه به ارزش نسبتاً اندک دعاوی، دادگاه عالی بخش رسیدگی به آن را بر عهده گرفت. با توجه به نداشتن اموال توسط این فرد، مالکیت برچسب بخیه ارزش گذاری شد که تنها ۵۰۰۰ پوند قیمت گذاری شد. در نهایت با حراج این مالکیت، انحصار ۱۸ ساله باقی مانده به یک سرمایه دار فروخته شد و برای مابقی ۵۰۰۰ پوندی بدهی آقای اسمیت، کار اجباری به مدت یک سال در شرکت سیگار سازی دولتی انگلستان تعیین شد که از منابع آن ۵۰۰۰ پوند باقی مانده بدهی وی پرداخت شود (گنو، ۲۰۲۱: ۶۰).

در سال ۲۰۱۶ از آقای دیوید^۲ شکایت شد که به موجب آن وی ۴۵۰۰۰ پوند بدهکاری دارد. دادگاه عالی صالح به رسیدگی شد و منزل وی به ارزش ۴۰۰۰۰ پوند به حراج گذارده شد. اما از بابت بدهی ۵۰۰۰ پوندی باقی مانده، مالکیت فکری وی در خصوص طرح جمع آوری آب مصرف شده منزل و استفاده مجدد از آن که ۱۵۰۰۰ پوند ارزش گذاری شده بود مصادره نشد. دادگاه چنین بیان داشت که بدهی ۵۰۰۰ پوندی چندان زیاد نیست و اگر در مدت یک سال، این بدهی تأدیه نشود، با کار اجباری بدهی پرداخت خواهد شد. سرانجام بدهی در طول یک سال پرداخت شد (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

از بررسی مثال های حقوقی مذکور می توان چنین برداشت کرد که دادگاه های بخش خصوصی هر جا که احتمال تأمین بدهکاری از منابع دیگر را بدهند، احکام مرتبط بدان را صادر کرده تا مالکیت معنوی اثر فکری آسیب نبیند. تاریخ صدور سند مالکیت فکری، مبدأ محاسبه حمایت ۲۰ ساله قرار گرفته که خرید، فروش و انتقال قهری مالکیت تأثیری در مبدأ محاسبه ندارد. همان طور که بیان شد هر فکر بدیع نیز قابلیت سودآوری نداشته که در مثال قبل به ارزش پائین مالکیت معنوی طرحی که توجیه اقتصادی نداشت اشاره شد. دادگاه های سطح پائین حقوقی نیز تلاش داشته که برای بدهی های با مبلغ اندک، مصادره صورت نگیرد. حمایت سازمان حامی مالکیت فکری جهت ممانعت از مصادره اموال فکری را نیز نمی توان نادیده انگاشت.

۵-۴ توقیف اموال فکری در نظام حقوقی انگلستان

چنان چه بیان شد، کامن لای انگلستان برخلاف دیگر نظام های حقوقی، توقیف اموال فکری را به رسمیت شناخته است. توقیف می تواند از چند عامل نشات گرفته باشد. ممکن است مالک یک طرح صنعتی که به سوددهی اقتصادی رسیده، ورشکست گردد. تسویه دیون تاجر ورشکسته که کسب و کار خود را با طرحی آغاز کرد که سند مالکیت معنوی آن را دارد؛ بحث مهمی بوده که انگلستان توقیف حق انحصاری حمایتی در این مورد را به رسمیت می شناسد. ممکن است تاجر ورشکسته کسب و کاری مستقل و

۱ Smit

2 David



جداگانه از مالکیت معنوی خود داشته باشد. اما به سبب مسئولیت خود بر تسویه دیون، مالکیت معنوی وی نیز جزئی از اموال وی محسوب گردیده که نیاز به توقیف دارد. قابلیت رهن گذاری این اموال نیز موجب اعتباربخشی مالی به آن شده که در زمان لزوم پرداخت دیون، اهمیت مالی اموال، معنوی ارزش پیدا می کند. پرداخت دیون ممکن است خارج از نظام کسب و کار بوده و به هر حال هرگونه دین و لزوم پرداخت آن در حقوق انگلستان می تواند موجب توقیف اموال فکری گردد. اما ارزش گذاری این اموال توسط کارشناسان اقتصادی انجام شده و ممکن است ارزش چندانی برای این اموال لحاظ نشود.

انتقال نام مالکیت معنوی نیز عملی مطلقاً غیرقانونی محسوب شده که برای طرفین موجب ایجاد مسئولیت کیفی می گردد. بنابراین تحت هیچ شرایطی نمی توان در خصوص انتقال نام خالق اثر معامله نمود و مطابق با قوانین انگلستان این چنین معاملات به کل باطل بوده و طرفین می بایست علاوه بر پرداخت جریمه به دولت، حداکثر تا شش ماه نیز در حبس بگذرانند. بنابراین در جریان توقیف اموال نمی توان بدهکار را با وعده تغییر نام خالق اقیاع نمود.

نکته دیگر آنکه در نظام حقوقی انگلستان صرف صدور سند مالکیت فکری برای توقیف آن کفایت دارد. بنابراین طرح ها و آثار خلاقانه ای که هنوز برای آن ها سند صادر نشده، فاقد ارزش مالی بوده و به هیچ وجه قابلیت رهن گذاری و توقیف ندارد.

در خصوص نحوه ارزش گذاری آثار معنوی طبیعتاً مسئله درآمدزایی آن مطرح است. در سراسر جهان ارزش یک شرکت حسب میزان سوددهی تعیین می شود. با توجه به این که حمایت از آثار فکری در حقوق انگلستان تنها به بیست سال محدود شده است (البته تحت شرایطی این حق قابل تمدید است) میزان گذر زمان از این مقدار نیز بر ارزش آن مؤثر می باشد. برای مثال فرض شود شرکتی ورشکسته بر پایه طرح نوآورانه ۱۸ سال از دوران حمایت خود را گذرانده و مدت دوساله برای آن باقی مانده است. بنابراین قابلیت سوددهی انحصاری آن طی دو سال مدنظر بوده و بر ارزش مالکیت معنوی طرح اثر دارد. لذا کارشناسان اقتصادی پارامترهای مختلفی برای ارزش گذاری طرح مدنظر داشته که مهم ترین آن ها میزان سوددهی در طول مدت حمایت باقی مانده است. در این صورت اگر بدهکار مایل باشد می تواند امتیاز طرح را به نام خود ثبت کند، در غیر این صورت با حراج این حق در بورس این کشور، می توان مبلغ موردنظر را تأدیه و به طلبکار پرداخت نمود.

مسئله دیگر در خصوص حمایت از آثار معنوی را می توان در رویه قضائیه انگلستان مشاهده کرد و آن هم دغدغه عدم تصاحب مالکیت معنوی است. در جریان طلب بدهی از یک مالک فکری، دادگاه نهایت تلاش خود را برای عدم تصاحب طرح به عمل خواهد آورد. اولویت قرار دادن اموال مادی بر اموال معنوی علاوه بر آنکه در این رویه قضائی مشاهده می شود در جریان رهن گذاری نیز محسوس است، چراکه قابلیت نقد شوندگی اموال مادی ساده تر از اموال فکری می باشد. لذا اولویت تسویه دیون با اموال مادی خواهد بود. کار اجباری و گرفتن مهلت برای تسویه دیون نیز از دیگر اقدامات نظام قضائی انگلستان برای حمایت از مالکیت معنوی است. در مبالغ بدهی اندک، دادگاه های سطح پائین معمولاً دستور حراج مالکیت معنوی را صادر نمی کنند؛ مگر آنکه اصل طرح دارای ارزش پائینی باشد. بنابراین آخرین راه حل تسویه دیون، فروش مالکیت معنوی خواهد بود.



۶- وجوه اشتراک و افتراق توقیف اموال فکری در حقوق ایران و انگلستان

اصل مالکیت معنوی و ماهیت آن توسط هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان به رسمیت شناخته شده و نظام‌های قضائی هر دو کشور به لزوم تخصیص حقوقی به مالکان آثار نوآورانه واقف بوده و این مهم در رویه قضائی هر دو کشور مشهود است. در کشور ما به موجب مواد شانزده گانه «قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹» خسارت معنوی برای آسیب به روح و روان پیش بینی شده است، اما در رویه مورد بررسی بعید به نظر می‌رسد که برای تجاوز به حقوق مالکانه، خسارت معنوی لحاظ شود. در رویه حقوقی کشور ما معمولاً در مواردی که آسیب به روح و روان محرز شود، همچون موارد ترک نامزدی، ورود بیماری فاحش روحی به اشخاص و برخی موارد دیگر، خسارت معنوی به صورت نقدی توسط کارشناسان تعیین می‌شود. با توجه به نبود حکمی در خصوص آسیب روحی مالک یک طرح فکری، بعید به نظر می‌رسد که نظام قضائی ایران از این حیث خسارت معنوی لحاظ نمایند. در بررسی احکام نظام حقوقی انگلستان بحث خسارت معنوی به مالک اثر صراحتاً ذکر شده است. اشتراک هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان به رسمیت شناختن خسارت معنوی می‌باشد، لیکن در رویه حقوقی ایران احتساب این خسارت برای تجاوز به حقوق مالکیت معنوی مبهم بوده و نیاز است که در این خصوص رأی وحدت رویه صادر شود.

در اصل پذیرش مالکیت معنوی این مسئله قابل ذکر است که تغییر نام مالک طرح تحت هیچ عنوان قابل پذیرش نیست و این مسئله در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان وجود دارد. در انگلستان تلاش برای تغییر نام مالک اثر جرم‌انگاری شده و لیکن این مهم با وجود منع در حقوق کشور ما، هنوز جرم‌انگاری نشده است. به هر حال از نظر حقوقی توافق بر سر تغییر نام مالک یک طرح جدید، به هیچ وجه نافذ نبوده و در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان این رویه وجود دارد.

در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، طرح پیش از ثبت و دریافت سند، ارزش مالی نداشته و به هیچ وجه ارزش گذاری نمی‌شود. در کشور ما به موجب تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی تنها در خصوص کتب، ترجمه و تصنیفات این چنین حکمی مقرر شده است، لیکن در سکوت قانون امکان تسری این حکم به دیگر مالکیت‌های معنوی مشهود است. محتمل در صورت صدور رأی وحدت رویه، دیگر اموال فکری در شمول این قانون قرار گرفته‌اند، چراکه در صورت عدم ثبت و دریافت گواهی، نوآورانه بودن طرح با اماواگرهایی روبرو بوده، مگر برای متخصصانی که اساس فنی طرح را دریابند. به هر حال این مهم که آثار فکری بدون ثبت یا انتشار ارزش چندانی ندارند در نظام‌های حقوقی دو کشور پیش بینی شده و هر دو نظام برای تعرض به این حقوق، مجازات لحاظ کرده که در تعریف جرم می‌گنجد. بنابراین لزوم احترام به مالکیت فکری افراد، پیش و پس از ثبت از نظر نزاکتی محرز بوده و معترضین به آن می‌بایست مجازات شوند.

لزوم حمایت از مالک اثر به صورت اعطای حق انحصار در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان پیش بینی شده، لیکن مدت زمانی آن‌ها متفاوت است. این مهم که اعطای حق انحصاری کسب درآمد، هدیه‌ای از بابت تولد یک طرح جدید می‌باشد؛ تقریباً در تمامی نظام‌های حقوقی جهان به رسمیت شناخته شده و دولت‌ها سعی داشته که به اعطای چنین حقی، مخترعان را به سمت تولد



طرح‌های جدید بیشتر تشویق نمایند. البته در برخی از کشورها برای ارائه هر طرح جدید، مبلغی هدیه پرداخت می‌شود. اما همان‌طور که بیان شد، هر طرح و ایده جدید قابلیت تجاری‌سازی نداشته و نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان در رویه مشترک، با اعطای حق انحصاری در کسب‌وکار مرتبط با مالکیت فکری، تنها برای طرح‌های بدیع با قابلیت تجاری‌سازی، از آن حمایت کرده‌اند. در خصوص ورشکستگی، هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان رویه تجاری-حقوقی تقریباً یکسانی دارند و به این علت است که حقوق تجارت کشورمان مقتبس از حقوق تجارت فرانسه بوده که بسیاری از کشورها نیز حقوق فرانسه را الگو و معیار نگارش قوانین خود قرار داده‌اند. انگلستان از دیرباز با قوانین عرفی اداره شده و طبیعتاً به علت مبادلات تجاری مکرر با کشور فرانسه که همسایه انگلستان محسوب می‌شود، رویه حقوقی تجاری فرانسه در نظام کامن‌لایی انگلستان جای گرفته است. بنابراین مسئله تأمین دیون ورشکسته از ضروریات حقوق تجارت دو کشور محسوب می‌شود. در هر دو نظام حقوقی رویه اجرایی حمایت قانونی از ورشکستگی آن است که معتمدین قانونی برای تقسیم عادلانه اموال ورشکسته وارد عمل می‌شوند. حداقل مقدار مال برای زندگی در حقوق هر دو کشور پیش‌بینی شده که البته تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. اما حقوق انگلستان به صراحت به ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره داشته که تأمین حداقل استانداردهای زندگی برای افراد را لحاظ کرده، لیکن این حداقل‌ها در کشور ما کمتر از حد استاندارد می‌باشد.

نخستین وجه افتراق حقوق مالکیت فکری در دو نظام ایران و انگلستان که به آن اشاره شد، حق توارث است. در کشور ما به موجب قواعد فقهی، حق توارث مالکیت معنوی پیش‌بینی شده و وراثت می‌تواند حمایت دولتی از اثر بدیع را به ارث برند. ارث جزئی از احوال شخصیه بوده که ریشه فقهی این مهم، قوانین کشور ما را متأثر نموده است. در حقوق انگلستان این حمایت پس از مرگ خالق اثر از بین خواهد رفت و بنابراین قابلیت توارث مالکیت فکری وجود ندارد. بنابراین یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق حق مالکیت فکری در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، توارث است.

اما در مسئله توقیف اموال فکری، نظام حقوقی انگلستان به صراحت بیان داشته که این رویه ممکن است. هر چند که سیاست نظام قضائی انگلستان آن است که حتی المقدور سرمایه فکری مصادره نگردد، اما در نهایت این امر به حکم قانون ممکن خواهد بود. حتی قابلیت مصادره قهری به نفع دولت نیز وجود دارد که خارج از بحث دیون می‌باشد. قانون مبارزه با گروگان‌گیری تولید به دولت اجازه داده که در صورت استفاده ناصحیح از حمایت‌های دولتی، اثر فکری و اموال مادی آن کاملاً مصادره شود. در کشور ما بحث‌های فراوانی در خصوص قابلیت توقیف مالکیت فکری وجود دارد. عمده‌ترین مشکل مالکیت فکری، مالیت و نقد شوندگی آن است. بنابراین حقوق ایران در این خصوص را می‌توان دارای سکوت دانست که همانند نظام‌های کامن‌لایی، عرف حقوقی در این خصوص جای بحث دارد. در بررسی مثال‌های این حوزه، مصادره کامل اموال فکری به‌مانند آنچه در رویه انگلستان وجود دارد مشاهده نشد. بلکه مالیت و آثار مادی آن قابل مصادره دانسته شده است. اما به فرض مصادره چنین حقی، تاکنون مشاهده نشده که حق انحصار سی‌ساله که در ایران برای مالکان این آثار وجود دارد به شخص دیگر انتقال پیدا کند و تنها عوایدی این حمایت محل



بحث است. اما در نظام حقوقی انگلستان اصل حمایت مذکور به عنوان یک حق قابل انتقال به طلبکار است. در نتیجه می توان اصل حق حمایت از حق انحصاری به مدت مشخص را وجه افتراق دو نظام حقوقی ایران و انگلستان دانست.

در مدت طول مدت حمایت از آثار نیز بحث های متعددی در جریان است. در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مدت حمایت از آثار فکری سی سال پس از مرگ خالق اثر دانسته شده و در صورت سفارشی بودن طرح، این حق سی سال از زمان خلق اثر است. اما در عمل سند مالکیت معنوی صادره توسط مرکز مالکیت معنوی، حق مالکیت سی ساله را ذکر کرده که محتمل بر اساس تفسیر موسع از «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» می باشد. اما در اقدامی جدید، حق مالکیت معنوی طرح تاکسی اینترنتی (اسنپ) برای مدت ده سال ذکر شده است. این حق بر اساس قوانین حوزه رایانه که مرتبط با این طرح بدیع می باشد تدوین شده و سند مالکیت معنوی آن مدت زمان حمایت را تنها ده سال ذکر کرده است. این رویه در حقوق انگلستان بیست سال پس از خلق اثر دانسته شده که با زمان سی ساله مذکور در اسناد مالکیت معنوی کشورمان تفاوت دارد. اما در رویه انعطاف پذیر کامن لایی، این حق تحت شرایطی قابل تمدید است. نمونه ای از انعطاف پذیر بودن این طرح در کشور ما یافت نشده و بعید به نظر می رسد که این حق قابل تمدید باشد مگر به دستور مقام ارشد. اما انعطاف مشاهده شده در نظام حقوقی انگلستان نیز پس از پیگیری های فراوان حقوقی و اجرایی و بررسی کارشناسانه قابل انجام است. لزوم نظارت مقام ارشد بر این نوع از تمدید در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان مشاهده می شود، لیکن به نظر می رسد که در رویه کامن لایی انگلستان این تمدید ساده تر صورت گیرد.

جدول ۱- معایب و مزایای هر نظام حقوقی در خصوص حمایت از آثار معنوی نشان داده شده است.

نظام حقوقی	مزایا	معایب
ایران	۱- کلیات حمایت از آثار معنوی در زمان ورشکستگی. ۲- توجه به خسارت معنوی ۳- حمایت رویه قضائی با هدف حفظ مالکیت معنوی جدا از مالکیت مادی.	۱- فقدان قانون مشخص و تکیه به رویه حقوقی. ۲- فقدان لزوم حمایت دستگاه های اجرایی در زمان ورشکستگی. ۳- ذکر تنها حمایت از آثار تصنیفات در قانون اجرای احکام.
انگلستان	۱- صراحت در مصادره اموال فکری. ۲- انتقال حق انحصاری به طلبکار. ۳- انعطاف پذیری بودن مدت حق مالکیت معنوی. ۴- تاسیس سازمان های حامی مالکیت معنوی	۱- فقدان قانون مدون به دلیل ماهیت کامن لایی. ۲- امکان پذیر بودن مصادره حل مالکیت معنوی به صورت کامل.

۵- روش پژوهش

در این پژوهش، با اتخاذ روش استدلالی و تحلیل توصیفی و با استفاده از شیوه کتابخانه ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه آن با دیدگاه های علمای حقوق و مدنظر قرار دادن مواد قانون و آراء و تطبیق آن با اسناد بین المللی به جمع آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف و تجزیه و تحلیل آن ها به نتیجه گیری ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه ای اسنادی، و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت های حقوقی و



جمع‌آوری و بررسی آن‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور فقهی و حقوقی می‌باشد، همچنین روش تجزیه و تحلیل و بررسی، به صورت تحلیلی توصیفی است.

۶- یافته‌ها

توقیف اموال در مسائلی به مانند مال منقول و غیرمنقول، بحث‌های فراوانی دارد. البته هر دو نوع اموال منقول و غیرمنقول، قابلیت توقیف دارند. یک شرکت که حاصل طرح مبتکرانه است، دارای اموال منقول و غیرمنقول بوده که هر یک به نوبه خود قابلیت مصادره دارند. اما ارزش یک شرکت به سبب اعتبار، از مجموع دارایی‌های آن بیشتر بوده و توسط کارشناسان حسابداری، این مقدار تعیین می‌شود. با توجه به قابلیت معامله سهام شرکت در سازمان بورس اوراق بهادار، عینیت و مالیت برای آن تحقق داشته و می‌تواند مصداق مصادره قرار گیرد. در واقع قابلیت معامله که عواید مادی داشته باشد، مهم‌ترین شرط مصادره اموال بوده که در صورت بازدهی مناسب یک شرکت، می‌توان نسبت به مصادره آن اقدام کرد. بر مبنای بحث‌های مطروحه، نتایج ذیل حاصل شده‌اند.

۱. در نظام حقوقی ایران، تنها توقیف آثار تألیفی، ترجمه و تصنیفات؛ به سبب تسویه دیون تصریح شده و در خصوص توقیف دیگر اقسام مالکیت فکری، خلأ حقوقی وجود دارد.
۲. در رویه کنونی نظام حقوقی ایران، توقیف منافع مادی مالکیت فکری ممکن است، بنابراین احکام صادره در این چارچوب قرار داشته که حق مدیریت اموال فکری برای خالق اثر باقی بماند.
۳. در نظام حقوقی انگلستان، توقیف اموال فکری پس از ارزش‌گذاری ممکن است.
۴. در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، توقیف اثر فکری و عوایدی آن پیش از دریافت سند مالکیت ممکن نیست.
۵. در نظام حقوقی انگلستان، سیاست قوه قضائیه آن است که حتی‌المقدور از تصرف مالکیت فکری خودداری شود و این اختیار حقوقی آخرین راه‌حل برای تسویه دیون باشد.
۶. تغییر نام خالق طرح بدیع، تحت هیچ عنوان در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان پذیرفته نشده و تنها معامله در خصوص حق انحصار فعالیت اقتصادی مرتبط به آن، نافذ خواهد بود.
۷. با رضایت مالک یک اثر فکری، می‌توان آن را به‌عنوان تسویه بدهی به کار برد و این مهم در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان به رسمیت شناخته شده است.
۸. در رویه اجرایی کشور ما، با وجود عدم منع قانونی، امکان رهن‌گذاری اثر فکری وجود ندارد که با همت مسئولین اجرایی قابل تحقق است. در انگلستان این قابلیت وجود دارد.
۹. به عقیده حقوقدانان و سیاستمداران، قابلیت توقیف اموال فکری، با سیاست تشویق به خلق آثار بدیع تناقض دارد.
۱۰. مدت‌زمان حمایت دولتی از مالکان آثار بدیع در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان متفاوت است و این مدت‌زمان در تعیین ارزش طرح، مؤثر می‌باشد.



۷- جمع بندی و نتیجه گیری

چنین عنوان شد که در خصوص رویه توقیف اموال فکری در نظام حقوقی کشورمان بحث فراوان است، اما در رویه قضائی، تاکنون مصادره حق حمایت از آثار فکری که در «ق.ح» ذکر شده، مشاهده نگردیده است. اما حقوق انگلستان این رویه را صراحتاً به رسمیت شناخته است. بنابراین می‌توان بیان داشت که رویه نظام حقوقی کشورمان تنها مصادره منافع مادی مالکیت معنوی بوده که با رویه حقوقی انگلستان متفاوت است.

در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، حفظ نام خالق اثر بر طرح، مسئله‌ای غیرقابل مذاکره قلمداد شده و هرگونه تعهد نسبت به آن غیرنافذ است. هر دو نظام حقوقی نیز برای حمایت از مالکیت معنوی، مدت‌زمانی برای فعالیت اقتصادی انحصاری خالق لحاظ شده است.

در کشور ما میزان مصادره اموال از مالکیت فکری، تنها به منافع مادی از آن محدود است و تاکنون ارزش‌گذاری مالکیت معنوی باهدف رهن و یا توقیف مشاهده نشده است. اما در انگلستان که توقیف این اموال صراحتاً به رسمیت شناخته شده، کارشناسان وزارت دارایی برحسب میزان درآمدزایی شرکت و همچنین مدت‌زمان باقی‌مانده از حمایت دولتی، ارزش مالکیت را تعیین می‌کنند. درنهایت این‌که هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان اصل تصرف در مالکیت فکری را در صورت ورشکستگی به رسمیت شناخته‌اند. اما اصل حمایت از این آثار که در واقع اعطاء مدت‌زمانی خاص برای انحصار در فعالیت اقتصادی مرتبط به آن است در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان تفاوت دارد.

مبتنی بر نتیجه پژوهش پیشنهادهای ذیل ارائه شده اند

- به قانون‌گذار کشور پیشنهاد می‌شود که با اضافه کردن ماده‌ای به «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» در خصوص قابلیت رهن و توقیف این اموال، صراحت لازم را به خرج دهد.
- به قانون‌گذار کشور پیشنهاد می‌شود که با اضافه کردن موادی به قانون تجارت، رویه توقیف اموال فکری به‌واسطه تسویه دیون ورشکستگی را تصریح نماید.
- به قانون‌گذار کشور پیشنهاد می‌شود که با اضافه کردن توضیحات به تبصره ماده ۶۵ «قانون اجرای احکام مدنی» وضعیت توقیف اموال فکری را در همه مصادیق آن مشخص نمایند.
- به قوه قضائیه کشور، پیشنهاد می‌شود نسبت به تربیت قضات متخصص در حوزه مالکیت معنوی، اقدامات لازم را مبذول نمایند.
- به قوه محترم قضائیه پیشنهاد می‌شود که مدت‌زمان حمایت از آثار فکری مندرج در اسناد مالکیت معنوی را ضمن استناد به قانون، ذکر نماید.
- به قوه محترم قضائیه پیشنهاد می‌شود که ضمن درخواست از دیوان عالی کشور خواهان صدور رأی وحدت رویه در خصوص رویه توقیف اموال فکری شود که در سکوت قانون، روشن‌کننده وضعیت مالیت این آثار باشد.



- به قوه محترم مجریه پیشنهاد می‌شود با ارسال لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی، خواهان جرم‌انگاری در خصوص انتقال نام مالکیت فکری شود.
- به قوه محترم مجریه پیشنهاد می‌شود که ضمن مشورت با قوه قضائیه، آئین‌نامه حمایتی ویژه جهت حمایت از ورشکستگان طرح‌های با مالکیت فکری تهیه‌کرده و در صورت نیاز به تقنین، آن را به صورت لایحه به مجلس شورای اسلامی ارسال دارند.
- به قوه محترم مجریه پیشنهاد می‌گردد که جهت ارزش‌گذاری دقیق اموال فکری، وزارت دادگستری را ملزم به تربیت کارشناسان این حوزه نماید.

منابع

منابع فارسی

۱. اخگر، بابک؛ عباسی، سیمین (۱۳۹۱) «مدیریت حقوق مالکیت فکری»، تهران: انتشارات جنگل جاودانه، جلد اول.
۲. اصلانی، حمیدرضا (۱۳۸۱) «حق اختراع با لحاظ موافقت نامه جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. افتخارزاده، محمودرضا (۱۳۷۶) «حقوق مولفان و مترجمان در فقه معاصر اسلامی»، تهران: نشر هزاران، جلد اول.
۴. امامی، اسدالله (۱۳۸۶) «حقوق مالکیت معنوی»، تهران: میزان، جلد اول.
۵. امامی، اسدالله (۱۳۹۰) «حقوق مالکیت صنعتی»، تهران: نشر میزان، جلد اول.
۶. امامی، سعید حسن (۱۳۸۱) «حقوق مدنی»، تهران: اسلامیه، جلد اول.
۷. امیری، حسین‌علی (۱۳۸۸) «اجرای حقوق مالکیت صنعتی در مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران»، تهران: نشر میزان، جلد اول.
۸. آیتی، حمید (۱۳۸۵) «حقوق مالکیت معنوی»، ناشر حقوقدان، تهران، جلد اول.
۹. باختر، سیداحمد؛ رئیس، مسعود (۱۳۸۵) «بایسته‌های اجرای احکام مدنی»، تهران: انتشارات خط سوم، جلد اول.
۱۰. پورعابد گلرودباری، یاسمن (۱۳۸۹) «بررسی فقهی و حقوقی بیع اموال معنوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۱. پیلوار، رحیمی (۱۳۹۳) «فلسفه حق مالکیت»، شرکت سهامی انتشار: تهران، جلد اول.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷) «ترمینولوژی حقوق»، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، جلد اول.
۱۳. حبیبی، سعید (۱۳۹۸) «جزوه درسی حقوق مالکیت صنعتی ۲»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۴. حبیبی، مجتهد، محمد (۱۳۸۴) «حقوق مالکیت معنوی و حقوق بشر، تعامل و تعارض‌ها»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. دارایی، محمد هادی (۱۳۹۴) «حمایت از گونه‌های جدید گیاهی در حقوق مالکیت فکری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. رضوانی، غزاله (۱۳۹۳) «توقیف اموال فکری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۷. سامانه ساعد، تاریخ مراجعه ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ <http://ara.divan-edalat.ir/Home.aspx>
۱۸. طهمورث پور، رسول (۱۳۸۸) «بررسی فقهی ضمان ناشی از تجاوز به حقوق مولفین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
۱۹. عباسی، اسماعیل؛ نوده، مهدی (۱۳۹۳) «بیع اموال فکری»، تحقیقات حقوقی آزاد، دوره بیست و سوم، شماره اول، صص ۶۱-۱۰۵.
۲۰. کشاورز، بهمن (۱۳۶۹) «سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت»، تهران: انتشارات جنگل، جلد اول.



1. Braithwaite, J. (2017). *Information feudalism: Who owns the knowledge economy?*. Routledge.
2. Dutfield, G. (2017). *Intellectual property rights and the life science industries: A twentieth century history*. Routledge.
3. Dutfield, G., & Suthersanen, U. (2020). *Dutfield and Suthersanen on Global Intellectual Property Law*. Edward Elgar Publishing.
4. Granstrand, O. (1999). *The economics and management of intellectual property*. Books.
5. Maskus, K. E. (2000). *Intellectual property rights in the global economy*. Peterson Institute.
6. May, C., & Sell, S. K. (2006). *Intellectual property rights: A critical history*. Boulder: Lynne Rienner Publishers.
7. Merrill, T. W., & Smith, H. E. (2017). *Property: principles and policies*. Foundation Press.
8. Moore, A. D. (2017). *Intellectual property and information control: philosophic foundations and contemporary issues*. Routledge.
9. Parr, R. L. (2018). *Intellectual property: valuation, exploitation, and infringement damages*. John Wiley & Sons.
10. Petersmann, E. U. (2019). *Constitutional functions and constitutional problems of international economic law*. Routledge.
11. Prime, T., & Booton, D. (2017). *European intellectual property law*. Routledge.
12. Aristodemou, L., & Tietze, F. (2018). The state-of-the-art on Intellectual Property Analytics (IPA): A literature review on artificial intelligence, machine learning and deep learning methods for analysing intellectual property (IP) data. *World Patent Information*, 55, 37-51.
13. Bican, P. M., Guderian, C. C., & Ringbeck, A. (2017). Managing knowledge in open innovation processes: an intellectual property perspective. *Journal of Knowledge Management*.
14. Zhang, J., Gu, Z., Jang, J., Wu, H., Stoecklin, M. P., Huang, H., & Molloy, I. (2018, May). Protecting intellectual property of deep neural networks with watermarking. In *Proceedings of the 2018 on Asia Conference on Computer and Communications Security* (pp. 159-172).
15. Esmaili Yadaki, M. (2017). A Comparative Analysis of the Exception of Educational Use in Literacy and Artistic Property Rights. *Journal of Civil Law Knowledge*, 6(1), 19-30.
16. Guo, M. (2021). *Intellectual Property Strategy and Ecosystem Evolution* (Doctoral dissertation, University of Cambridge).
17. Janke, T. (2019). *True Tracks: Indigenous cultural and intellectual property principles for putting self-determination into practice*.
18. Nasirov, S. (2018). *Three essays on intellectual property and the managerial aspects of its protection and exploitation* (Doctoral dissertation, University of Nottingham).



Investigating the procedure of bankruptcy of businesses with intellectual property in Iran and the ways to correct it, while comparing it with the similar procedure in England.

Abstract

In contrast to material property, there is intellectual property, which means the possession of intangible property. All over the world, governments are concerned about supporting the creators of original works, which is considered a form of intellectual property. In our country, the legislator has given the owner the privilege of exclusive use of intellectual property during a certain period of time. This research has been done by analytical-descriptive method. The purpose of the research is to examine the effects of bankruptcy on intellectual property in the Islamic Republic of Iran and the Kingdom of Great Britain. Examining the commonalities and differences as well as identifying the strengths and weaknesses of the two legal systems regarding the effects of bankruptcy on intellectual property has been done in this research. From a legal point of view, it is possible to confiscate intellectual property at the time of bankruptcy, but the legislator has specified only the confiscation of literary works such as translation and authorship, and in the current practice of administrative law, due to the low liquidity of these properties, it is possible to confiscate them and the system Judiciary has generally tried to confiscate material benefits derived from intellectual property, and so far no judicial ruling has been reported regarding the complete confiscation of intellectual property. The common



practice of the British government accepts confiscation of intellectual property during bankruptcy, which is of course used as a last resort for debt settlement. In English administrative law, it is possible to mortgage intellectual property, which is criticized by the defenders of original works. Iran's legal practice is commendable, but it should be made clear in this regard.

Key words:

Intellectual property, Innovation, Islamic-Iranian model of protection, Bankruptcy, Foreclosure.